



گزارش پشت صحنه تولید فیلم «شب‌های روشن»

غریزه عاطفه خورش کرفس

میش مولای
حامد صراف‌زاده

دختری است که از شهرستان آمده شاید کمی خجل باشد اما در عین حال یک دختر مصمم است که من از این مصمم بودنش خوشم آمد. علاقه‌ام به فیلم‌نامه از زمانی که جلسات دوخوانی با آقای عقیقی داشتم بیش تر شد. الوندی در فاصله‌ی بین فیلم‌برداری دو نما کار چیدن توره‌ها را به دستیارانش سپرده و خود روی میبل نشسته و استراحت می‌کند. الوندی درباره انتخابش از سوی مؤتمن حرف‌های جالبی می‌زند «آقای مؤتمن خیلی عاشق تنگناهای امیرنادر است و اصلاً همان نوع فیلم‌برداری را هم دوست دارد از آن جایی که تنگنا «رامن فیلم‌برداری کرده بودم، شاید به همین خاطر هم از من برای فیلم‌برداری در شب‌های روشن» دعوت کردند. دربارهی نوع کار باید بگویم از نظر حرکت‌های دوربین و نحوه نورپردازی با همه کارهایی که پیش از این انجام داده‌ام، متفاوت است. خوشبختانه تالان هم هرچه می‌خواستیم از کاردر آمده‌است. وقتی کار با آقای مؤتمن را شروع کردیم، اصلاً باورم نمی‌شد ایشان این قدر تسلط روی کارشان داشته باشند. انگار قبل از این همه تا فیلم ساخته‌اند! «مؤتمن هم قبل از فیلم‌برداری دوربین پلان این صحنه، دربارهی شب‌های روشن» چیزهایی گفت «بین من کارم فیلم‌سازی است، معمولاً هم این‌جوری نیست که خودم انتخاب کنم فلان صحنه را بسازم. گاهی شرایطی پیش می‌آید که می‌توان قصبه‌ای را ساخت. بعد از هفت پرده «دوست داشتم فیلم‌نامه‌ی هفت شب» سعید عقیقی را بسازم که به دلایل مشکلاتی که آن فیلم‌نامه در ارتباط با فیلم هم‌رسانس پیدا کرد، شرایط برای ساختن آن مهیا نشد. در بحث‌هایی که با عقیقی کردیم به این نتیجه رسیدیم که شب‌های روشن «داستایوفسکی را بسازیم، البته من ابتدا به راحتی زیر بار نرفتم چون به هر حال نام داستایوفسکی وسط آمده بود. اما نهایتاً عقیقی مرا مجاب کرد که آن را بسازیم. «مؤتمن ضمن این که می‌گوید هیچ کدام از فیلم‌های ساخته شده بر اساس شب‌های روشن «داستایوفسکی را ندیده اضافه کرد به هر حال باید پذیرفت که شب‌های روشن» ما حاصل تیم من و عقیقی است. ضمن این که از هفت پرده هم متفاوت تر است آن فیلم در یک فضای سرد و غیرواقعی می‌گذشت. اما اجرای این فیلم غریزی تر و عاطفی تر است. روایت تقریباً کلاسیکی دارد و در عین حال شاید تجربی تر هم باشد. «مؤتمن تأکید کرد این یک برداشت آزاد است و نمی‌داند که مدرن است یا پست‌مدرن یا کلاسیک. گروه کم کم آمده می‌شوند تا نمای دوم صحنه ۳۴ را فیلم‌برداری کنند. ظاهر این پلان به پلان حرکت قبلی جامع‌کات می‌شود که دختر «استاد» شاه‌شان را خورده‌اند و کم کم می‌زاج جمع می‌کنند. تنگناهای که دربارهی گروه‌سازنده شب‌های روشن «جالب به نظر می‌رسد این است که عوامل سازنده در عین رفاقت و صمیمیتی که با یکدیگر دارند از نظم خاصی پیروی می‌کنند که خیلی دیدن دارد.

است!... «بهر و روشی دستیار دیگر مؤتمن (که در «آوانس شیشه‌ای» نقش پسر بزرگ بر روی پرستوی را بازی کرده) قول می‌دهد دیگر صدای مزاحم نخواهد بود. در نهایت هم پس از پنجمین یا ششمین برداشت، آبنار یکی از دیالوگ‌های احمدی را که خارج از قاب تصویر است، دوباره ضبط می‌کند. زمان فعلی این پلان در آخرین برداشت حدود یک دقیقه است. پس از این برداشت آبنار بالاخره از روی میبل بلند می‌شود و چند قدمی راه می‌رود. او از زمانی که وارد آپارتمان بلند می‌شود روی میبل نشسته بود و مجله‌ی سینمایی می‌خواند! خودش می‌گوید: «گرددش از مجله خواندن خسته شده او درباره همکاری اش با این پروژه می‌گوید: «هن از سوی آقای زندباغ برای این فیلم دعوت شد. هفت پرده» را هم دیده بودم و از آن خوشم آمده بود. ماجرای شب‌های روشن «و رابطه‌اش با ادبیات کلاسیک هم مورد توجه قرار گرفت. در مجموع به نظرم یک کار متفاوت خواهد بود. البته نه به آن معنی که انتظار فرم بسیار ویژه‌ای را داشته باشیم. در این نوع کار که سکوت و آرامش خاصی دارد کار صدباردار سخت‌تر می‌شود چون بال زدن یک مگس هم می‌تواند مغل کار باشد.»

مهدی احمدی پس از این پلان هم چنان سر میز شام نشسته و خورش کرفس می‌خورد. هانیه توسلی هم بین برداشته‌ها دست از خوردن نمی‌کشید! احمدی دربارهی دوربین همکاری اش با کارگردان شب‌های روشن «گفت: «این فیلم با هفت پرده تفاوت‌هایی دارد. شخصیت‌های شب‌های روشن» از شکل تخت و مکاتبکی فیلم قبلی درآمده. اما در سلیقه‌ی آقای مؤتمن دیالوگ‌ها و نحوه‌ی بیان هم چنان کم‌آهنگ است. دربارهی نقش «استاد» باید بگویم شخصیتی است که به یک تنهایی و انزوایی بنام برده دلایل خودش را هم دارد. او با ادبیات و هنر درگیر شده که البته در همان ابتدای فیلم‌نامه به آن مطامعات هم شک می‌کند. بعد هم که با شخصیت «دختر» آشنا می‌شود. کار کردن با آقای مؤتمن هم برای من مثل یک مدرسه است. چون ایشان شناخت بسیار خوبی از سینما دارند و در کنار این جسارت‌هایی هم دارند که در کارهایشان می‌بینیم. او درباره فیلم‌نامه‌ی فیلم می‌گوید بخش‌هایی از فیلم‌نامه را که می‌خواندم احساس می‌کردم شخصیت «استاد» خیلی برام ملموس است. حتی می‌توانم بگویم آقای عقیقی یک شناختی از من داشته‌اند که این نقش را نوشته‌اند. اما در اجرا به لحاظ نحوه‌ی اجرا و بیان و کلافرمی که آقای مؤتمن مدنظر دارند کار پیچیده و سختی است. «هانیه توسلی هم بالاخره از میز آشپزخانه جدا می‌شود و دربارهی همکاری اش با مؤتمن می‌گوید چیزی که باعث شده این کار قبول کنم نوع بازی بود که آقای مؤتمن می‌خواستند. برام خیلی مهم بود که ببینم آیا می‌توانم این نوع بازی را در کار در آورم یا نه شاید نوع بازی از شخصیت‌ها هم خیلی مهم تر باشد. «دختر» شب‌های روشن»

در سینمای ایران بعضی فیلم‌سازان با ساختن یک فیلم به دلایل مختلفی باید فاجعه‌ی فاجالت حرف‌های شان را بیاخوانند. سال گذشته وقتی هفت پرده و ابرو جشنواره دیدم با خودم گفتم کارگردان فیلم، فرزانه مؤتمن از این نوع فیلم‌سازان است. چون فیلم اولش نه‌با استقبال تماشاگران روبرو شد و نه منتقدان و اهالی مطبوعات آن را پسندیدند. حداقل فکر نمی‌کردم او به این زودی و قبل از آکران اولین فیلمش، دومین فیلم بلند سینمایی اش را کارگردانی کند. او اکنون مشغول کارگردانی شب‌های روشن بر اساس رمانی نوشته‌ی فئودور داستایوفسکی است. تا اولین استفاده‌ی هفت شب سکانس‌های خارجی فیلم در خیابان‌های تهران فیلم‌برداری شده و گروه کوچک و جمع و جور فیلم این روزها سکانس‌های داخلی فیلم را کار می‌کنند.

محل فیلم‌برداری یک ساختمان قدیمی اطراف میدان هفت تیر است. گروه در آپارتمان طبقه‌ی دوم که آدم را یاد آپارتمان‌های فیلم‌های فرانسوی دهه‌ی شصت می‌اندازد، مستقر شده‌اند. روی در چوبی آپارتمان پرنامه‌ی روزانه‌ی کاری نصب شده‌است. از آن جایی که طی این روزها گروه پلان‌های شب را فیلم‌برداری می‌کنند. شاید بهتر باشد بگویم بر پایه‌ی برنامه‌ی کاری، داخل آپارتمان جمشیدالوندی و گروهش ریلی را در طول زمین‌های کوچک آپارتمان کشیده‌اند. روی دوربین به طرف آشپزخانه و میز ناهارخوری است که هانیه توسلی و مهدی احمدی در دو سویش نشسته‌اند. در دیوار آپارتمان رنگ سبز زیتونی کدری خورده روی دیوارها در دیف قاب عکس کوچک به موزات هم نصب شده‌اند که تصاویر نوسندگان و متفکران مختلفی از سوفوکل گرفته تا سارتر، گول، گوته‌اولین، اورگول... در آن‌ها قرار دارد. جالب است که تصویر هیچ نویسنده‌ی زنی در میان آن‌ها نیست.

روما قلیدل دستیار مؤتمن و برنام‌ریز گروه می‌گوید: «مشب صحنه ۳۴ فیلم‌نامه. در خانه» «استاد» که مهدی احمدی نقشش را بازی می‌کند می‌گذرد و فیلم‌برداری می‌کنند. ظاهر آشخصیت‌های این فیلم مؤتمن نیز اسم ندارند. با نگاهی به برنامه‌ی فیلم‌برداری روزهای قبل و بعد که در اتاق مجاور نصب شده‌می‌توان مطمئن شد که شخصیت‌های شب‌های روشن «هم بی اسم‌اند! در اولین پلان از صحنه ۳۴ هانیه توسلی که نقش «دختر» را بازی می‌کند با «استاد» سر میز شام نشسته‌اند. دوربین هم ابتدا کلوژ آپ «دختر» دراز دارد. بعد تراولینگ می‌کند و به کلوژ آپ «استاد» می‌رسد و دوباره به کلوژ آپ دختر باز می‌گردد. الوندی و گروهش سرشان به تمرین این حرکت گرم است. توسلی و احمدی هر کدام نسخت‌های از فیلم‌نامه روی میز شان است و با یکدیگر تمرین می‌کنند و مؤتمن نیز آرام و بی سروصدا به تمرین بازیگران سرک می‌کند و چیزهایی هم به آن‌ها می‌گوید. محسن شاه‌براهیمی وارد می‌شود و با دست گل و چند پلاستیک میوه و خرت و خرت و پرت‌های دیگری که در دست دارد شبیه پدرهای مهربان شده که سر شب با دست پر به خانه می‌آیند. او سریع سراغ میز آشپزخانه می‌رود و شروع می‌کند به چیدن میز شام، دستمال و بشقاب و سبزی و ماست و خورش کرفس. میز که چیده می‌شود مؤتمن می‌گوید: «هانیه عجیب چیزی شد! آدر همین حین اولین نمای صحنه ۳۴ یکی، دو بار تمرین می‌شود. مؤتمن به دستیار الوندی دربارهی زمان شروع تراولینگ و توقف آن تذکراتی می‌دهد و به احمدی هم می‌گوید بهتر است با ریتم آرام‌تری جملاتش را بیان کند. اولین برداشت این پلان تقریباً راضی‌کننده است. اما مؤتمن می‌گوید دوباره می‌گیریم. دو، سه برداشت به خاطر صدای مزاحم ماشین‌هایی که از کوچه می‌گذرند خراب می‌شود. هر کس چیزی می‌گوید نادیده وسط اتوبان فیلم می‌سازیم...» بزرگراه گم شده



۵
مجله شماره چهاردهم
شبه ۱۱ اسفند ۱۳۸۰